

نسل جوان روزنامه چلنگر، افراشته،**و آهنگر را فراموش نکرده است.**

به قول کامیوتریست ها در وبگردی های شبانه ام که نظری گذرا به سایت های گوناگون دارم به سایت «گذرگاه» برخوردم و تیترو عنوان مطلبی به نام «آهنگر بجای چلنگر!» و مابقی قضایا» نظرم را جلب کرد! این مطلب با امضای «بابک» نوشته شده بود که نمی دانم اسم مستعار است یا نامی واقعی.

به هر صورت از یادآوری این دوست نادیده متشکریم که به موقع مرا به یاد چلنگر انداخت، چون اسفندماه ۱۳۷۸ دقیقاً ۵۹ سال از انتشار اولین شماره روزنامه فکاهی-سیاسی چلنگر می گذرد و در اسفندماه ۱۳۲۹ بود که محمدعلی افراشته روزنامه چهارصفحه ای چلنگر را در جو ملتهب ایران آن روز منتشر کرد که به یکی از نشریه های مهم تاریخ روزنامه نگاری ایران تبدیل شد. امروز از قلمزنان روزنامه چلنگر بجز من، غلامعلی لطیفی، دکتر محمد عاصمی، حسن نوری و شاید یکی دو نفر دیگر که من از آنها بی اطلاع کسی باقی نمانده است.



محمد علی افراشته

ضمناً سال ۱۳۷۸ پنجاهمین سال خاموشی محمد علی افراشته در بلغارستان است دوست دارم این مطلب را که به عنوان مقدمه ای بر مقاله ی سایت «گذرگاه» (که در زیر می خوانید) نوشته ام بادی داشته باشم از چهره های معروف روزنامه قدیمی چلنگر مانند، روانشادان محمد علی افراشته، ابوتراب جلی، سید ابوالفضل نیری، فریدون صهبایی، ممتاز میثاقی (م.م. سنگسری)، مهندس امین محمدی (طوطی)، خلیل سامانی (موج) که نام اصلی او مصطفی خلیفه سلطانی بود، رباب تمدن (همسر خلیل سامانی)، عنایت احسانی، محمد احمدپناهی (پناهی سمنانی)، مرتضی معتمدی (شبنم)، ابراهیم ناعم (پابرهنه رشتی)، محمود پاینده لنگرودی، غلامعلی لطیفی، محمد کلانتری (پیروز)، مظفر درفشی و...

آهنگر! بجای چلنگر!... و باقی قضایا...!

گذرگاه - بابک

انقلاب که شد، و سرهای خوش خیال و خوش باور، از باده آزادی روبراه شد، بی توجه و شاید بی اطلاع، از بازی ها و بازیگران پشت صحنه، و اینکه نه تنها برای ایران که برای منطقه و در پاره ای موارد برای دنیا چه آشی به بار گذاشته اند، خوش خیال ها دست بکار تمشیت آزادی شدند، و هر کس به اندازه وسع و امکانش بسوی طبعی اخلاص رفت. شاعران فرهیخته و نویسندگان و طنزپردازان شیرین گفتار دوران چلنگر، به قصد بهره وری از آزادی، و تجدید خاطره «چلنگر»، به تولد مجدد آن اقدام کردند.

و با آنکه صاحب امتیاز چلنگر محمد علی افراشته بود و اجازه نشر آثار او (به وسیله نصرت الله نوح) از پسرش مهندس بهمن افراشته گرفته شده بود، و با حزب توده، که بهر حال نام چلنگر اسم این حزب را تداعی می کرد، صحبت شده بود، نتوانست ادامه بیابد. چرا که حزب توده، سبک و سیاق گردانندگان آنرا برنتافت. ولی آب روانی که وسیله دریا دلان ارجمندی چون زنده یادان: ممتاز سنگسری، منوچهر محجوبی و نصرت الله نوح، که عمر پربارش دراز باد، به راه افتاده بود، به رود خروشان «آهنگر» راه باز کرد و کولاک کرد و تا محجوبی زنده بود حتی در تبعید ادامه یافت.

در اینجا، و در این مختصر و با این حوصله اندک، قصد صحبت از تاریخچه «چلنگر و افراشته و یاران و همکارانش نیست» و نیز چنین قصدی در مورد آهنگر و کار کارستانی که انجام داد نداریم، چون چنین بحث و بررسی دو صد من استخوان مخصوص! می خواهد.

ولی اشاره کوتاهی داریم به نام ارجمند آنهائی که، هم پر و بال چلنگر بودند، هم آهنگر را به اوج بردند. و آنرا به نامی ماندگار در ادبیات طنز سیاسی تبدیل کردند (و هم دستی که گاه در) در روزنامه یگانه «توفیق» داشتند. این فرهیختگان در هر سه روزنامه: چلنگر-آهنگر و توفیق، قلم زده اند. یاد و خاطره همه شان که به واقع به گردن ادبیات «طناز» فارسی حق دارند، ماندگار و گرامی باد.

منوچهر محجوبی - بهمن رضایی - نصرت الله نوح - ممتاز سنگسری - منوچهر احترامی - رباب تمدن - غلامعلی لطیفی - محمد کلانتری پیروز - محمود پاینده - عنایت احسانی - جمشید ارجمند - امین خندان - مرتضی معتمدی - مظفر درفشی - بهمن رضایی - ابراهیم ناعم - پناهی سمنانی - هادی خرسندی - فریدون تنکابنی - کاریکاتورست بزرگ بیوک احمری و... بسیاری دیگر، که یاد همه شان گرامی.

خوش وصال دوست و برای گذراندن وقت چند بیت «شعری»
اتفاق صدور یافت که ملاحظه میفرمائید.

قربانت ایرج ۸ مارس ۲۰۰۱
یار دیرین من ای حضرت آقای عطا

خبرت هست ز یاران گرفتارِ بلا؟
نسخه ی آخری ات هیچ نکرده اثری

مانده ام بنده در این چنبره ی خوف و رجا
تاکنون یکصد و ده قرص کذائی شده صرف

لیک برجاست ز بخت بد من ضعف عصا
گشته هر بار سراقنده تر از دفعه ی پیش

خورده ام گرچه یکی صبح و یکی عصر و مسا
دائم الزام اطبا به نگهداری ستر
من تترسم ولی ای دوست، ز فرمان قضا
مرگ من، گر شده مرحوم بگو صاف و صریح
تا تدارک کنمش مجلس ترحیم و عزا
بل، پس از فاتحه و خوردن حلواش دگر
پندگیرم، نروم از پی درمان و دوا
عبرتی نیز شود تا پس از این کس نکند
طلب معجزه ی عیسوی از شخص شما!

یادمانده ها ... از صفحه ۷**پیش پیش از برای آن اکسیر****می کنم عرض امتنانا**

(اسامی بقیه ی مرضای جوان شده ات را به یاد نیاوردم و گر نه بیشتر خجالت می دادم)

دومین شعری که شاعر آنرا با عنوان «معر» نوشته قصیده ایست در استقبال از قصیده عزای سعدی که یکی از شاهکارهای زبان فارسی است با مطلع:

ای نفس اگر به دیده تحقیق بنگری

درویشی اختیار کنی بر توانگری
که البته در تمام این شعرها که می خوانید مخاطب آقای پزشکزاد، دکتر عطا منتظری می باشد:

دکتر جان، این معری است که در هواپیمای مراجعت صادر شده و درد دل شاعر معروف معاصر الف. م.م. شخبیز است.

ای دکتر، ار به دیده ی تحقیق بنگری

شاید که اختیار کنی کار بهتری

زیرا که وصله پینه ی این پاره پوره ها

تقدیم خنجری است به دست ستمگری

این سالخورده یار من، اکنون پس از عمل

افتاده باز یاد جوانی و دلبری

چون دیده شکل تازه ی پستان د رآینه

وان پای خوش تراش چو خورشید خاوری

در عالم خیال شده دلبری لطیف

گوئی که بازگشته به دوران دختری

شب خواب را ز دیده ی من میرباید او

با غمزه های تازه و اطوار عنتری

که می جبد از آن طرف تخت سوی من

که می پرد از این سر بستر به آن سری

که شکوه هاست بر لبش از گرمی هوا

گاهی شکایت از پشه بانیش خنجری

که ناله می نماید و گه آه می کشد

با سرفه های سخت چو بیمار بستری

اینها شگرد اوست در این رجعت جدید

تا آردم به یاد تکالیف شوهری

حالیکه از تصور نزدیکی سرش

این مختصر فقیله شود مختصرتری

✽

باری، چنانکه هست نباید به هیچ روی

کاری ز دست بنده و یا شخص دیگری

گر اخم و تخم را بزدائی ز چهره اش

وان حالت صلابت و زور و سکندری

شاید به یاد آن تن و اندام چون بلور

وقتی، شبی، و یا دم صبحی ز مضطری

خاکی بسر کنم من و جانی بدر برم

این بخت خفته گر دهمد نیز یاوری

بعد از وقوع معجزه باید بگویمت:

پنهان مکن دگر! نه طبیعی، بیمبری!

الف. م.م. شخبیز

و آخرین شعر نیز گلایه ایست خطاب به دکتر که داروهایش اثری در بیمار ندارد و از دکتر می خواهد که اگر تشخیص می دهد که بیمارش مرده است به او اطلاع دهد تا در فکر مجلس

ترجم و عزایش باشد:

قربانت کردم، سفری داشتم به سویس موقع برگشتن در ترن دختری روبرویم نشسته بود مثل پنجه ی آفتاب. بقول مولانا

عبید، که از زبان آن مُخَنَّث که ماری بر سر سنجی خفته دید و گفت: دریغا مردی و سنجی، من هم در دل گفتم دریغا مردی و

... بعد از آنجا کم کم رشته فکرم رسید به لس آنجلس و ایام

این زمینه نوازش می دهد!

سه شعر از حضرت پزشکزاد با خط ایشان و با لطف آقای دکتر منتظری دارم که با اجازه ایشان چاپ می کنم.

اولین شعر داستان واره ایست به شیوه ی موش و گربه عبیدزاکانی:

ای خردمند عاقل و دانا

قصه ی موش و گربه برخوانا

در این شعر همانطور که ملاحظه می فرمایید مخاطب آقای دکتر منتظری است و اسامی دوستانی را که متهم به درمان

ضعف قوه بآه هستند نام برده، البته با وجودیکه همه آنها این شعر را دارند ما جاهایی از اسامی را نقطه چین کرده ایم که با

مقدمه آقای پزشکزاد می خوانید:

قربانت کردم امعار (البته امعار جمع معر است) صادره در هواپیمای مراجعت را ملاحظه میفرمائی. در دوران هجر یخ زده

به یاد روزهای گرم وصال هستم.

۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ قربانت ایرج

ای جناب طیبب نسوانا

دارم از تو گلگه فراوانا

این دوائی که داده ای خوردم

صبح و ظهر و غروب و شامانا

اثری من ندیده ام تا حال

همچنانم خجل ز جانانا

مشتری های دیگرت اما

سرحالند و شوخ و شنگانا

آن شنیدم که هه الف...

میروود دیسکو و ته دانسانا

صحبت است از زنی که شهبازش

صیغه کرده ز شعله پنهانا

شده عاشق سه بار رویائی

طرف یک سال و چند ماهانا

این اواخر علی...

زن گرفته ز کودکتانا

بگذریم از حکایت فرهنگ

که شده دُن ژوان تهرانا

تازگی ها، شنیده ام شهناز

میروود کوه با جوانانا

چه بگویم ترا ز حضرت ن...

با همه شأن و احترامانا

که کنون می دود پی زنها

نگهبش هیز و نطفه افشانا

کند از نو شنیده ام، فرجاد

دست در لنگ دلستانانا

چاپ کرده ز نو جناب رفیع

شصت و شش جلد تازه رُمانا

تو که معجز در آستین داری

میر از یاد خود رفیقانا

سن و سالم به رخ مکش زیرا

جز یکی زین عزیز پیرانا

جمله از من به سال بیشترند

بین سه تا هفتشت سالانا

زان دوائی که این جماعت را

کرده این جور پهلوانانا

اندکی هم برای بنده فرصت

تاکنم چندی امتحانانا

گرنبینم اثر، دگر نبرم

تا ابد، قول، اسم درمانا

Shahrzad Dance Academy**آکادمی رقص شهرزاد**

تدریس رقص کلاسیک ایرانی برای

سنین مختلف در *East Bay*

اجرای رقص در سراسر بی اریا

بوسیله

گروه شهرزاد

فوق لیسانس در رقص و هنرهای زیبا

(510) 672-0647

info@dancepersian.org

www.dancepersian.org

5221 Central Ave., #1

Richmond, CA 94804



Mojgan Helmi

Insurance Lic# 1844156 / 1844419

(510)220-6944

(510)453-1147

PO Box 1644, Fremont, CA 94538 ♦ www.mimisbailbond.com

Mimi's Bail Bonds

در صورتیکه توسط پلیس دستگیر شدید سریعاً با ما تماس بگیرید!

Call Us & Get Home Soon

Immediate Assistance

Dependable, Reliable & Confidential

24 Hours / 7 Days a Week

سودابه عزیزی

روان درمانی - Psychotherapy

دارای برد تخصصی از کالیفرنیا استاد دانشگاه در فوت هیل کالج

Lic.# MFC42631

**حل مشکلات فردی، زناشویی، خانوادگی، اطفال، و نوجوانان
حل بحرانهای شخصی از راه خودشناسی و تعبیر خواب**

*Licensed Marriage & Family Therapist,
Individual, Couples, Child, & Family*

(۶۵۰) ۸۵۷-۱۴۷۷

www.soudabehmft.com ☎ soudabehmft@aol.com

700 Live Oak Ave., #3 Menlo Park, CA 94025